

پاسخ به انتقادات آقای روزبه وین

دوست عزیز آقای وین سلام!

شما در مورد درستی شعار "آزادی زندانی سیاسی" نوشته اید و من کاملاً با شما موافقم. نمی دانم چرا از نوشته من چنین برداشت کرده اید که من آزادی اندیشه را برای برخی می خواهم. در هیچ يك از قسمت‌های کتابم که برای سایتها فرستاده ام چنین روحی نخواهید یافت و اگر کتاب را بخوانید دقیقتر متوجه می شوید که من مدافع آزادی بدون قید و شرط هستم. ولی مدافع آزادی زندانیان سیاسی بودن به این معنا نیست که باید نظرات و سیاستهایشان را هم قبول داشت. میتوان و باید مدافع آزادی همه زندانیان سیاسی از زندان بود، بدون اینکه نظرات سیاسی شان را پذیرفت.

نوشته اید که به نظر می رسد من انتقاداتی به يك جریان سیاسی دارم. باید اعتراف کنم که من به خیلی از جریانات سیاسی از سنت های مختلف مبارزاتی نقد دارم و در کتابم منعکس است. بخشی از واقعیاتی را هم که در زندان تجربه کرده ام بوسیله این کتاب می خواهم در اختیار مردم بگذارم.

نوشته اید "انتقاد به زندانیان سیاسی جریانی که جزئی عینی از اپوزیسیون می باشد آنهم در سایت عمومی تبلیغی که نه در جهت هماهنگی نیروها علیه دشمن مشترك بلکه هم جهت با پراکندگی هر چه بیشتر آن می باشد".

اولاً این اپوزیسیون هیچ وقت دشمن مشتركی نداشته است. در سالهای اولیه عمر جمهوری اسلامی جریاناتی مثل مجاهدین خلق، رژیم اسلامی را همراهی می کردند. جریاناتی مثل اکثریت در دوستی شان با جمهوری اسلامی زبانزد همه بوده اند و همچنان هستند. این بخش از اپوزیسیون که همیشه زیر عبای بخشی از ملاها عرض اندام می کند، هیچوقت دشمن مشتركی با بقیه اپوزیسیون نداشته است. سلطنت طلبها تا همین اواخر پشت خاتمی و دوم خرداد بودند. از همه چیز جالب تر اینکه بخشی از زندانیان سیاسی فعلی فعالین جناحی از خود رژیم هستند!

در ثانی بیایید فراموش نکنیم که خیلی از افرادی که در این ۲۲ ساله بعنوان مهره های اصلی جمهوری اسلامی در کار کشتار و فقیرتر کردن مردم هستند، در زمان شاه زندانی

سیاسی و متعلق به نیروی اپوزیسیون دیکتاتوری شاه بودند. آیا نوشتن بر علیه آنها هم به زیر سوال بردن "زندانی سیاسی" نیست؟ آیا در دهه ۵۰ هم به همین دلیلی که شما می‌آوردید نبود، که چپها بر علیه جانواران سیاسی ای همچون لاجوردی ها که در زندان شاه مراقب بودند آب دست يك کمونیست "نجس" به دستشان نپاشد، چیزی نوشتند؟ تا کی باید روی واقعیت سرپوش گذاشت؟ تا کی باید زندانی سیاسی را در يك هاله مقدس قرار داد و جدا از گرایش فکری اش به خورد مردم داد؟

زندانیان سیاسی جدا از گرایشات سیاسی درون جامعه نبوده و نیستند. همانطور که در جامعه گرایشات مختلف پراتیک مشخص خود را دارند، در زندان نیز رفتار سیاسی خاص خود را داشته اند. من تلاشم این است که با کتابم پنجره ای کوچک به زندان باز کنم. در نتیجه قصد من قهرمان سازی نیست و نمی‌خواهم مردم را گول بزنم. چرا که اولاً اعتقادی به قهرمان ندارم. دوماً فکر می‌کنم مردم با مبارزاتشان قادر خواهند بود حقوقشان را بدست بیاورند و نیازی به قهرمان ندارند.

و اما روح انتقاد شما به نوشته من از آنجا سرچشمه می‌گیرد که معتقد به وحدت نیروهای اپوزیسیون هستید و معتقدید که برخورد من، یعنی نوشتن تجربیاتم به این شکل، منجر به تفرقه بیشتر می‌شود. باید بگویم که من فکر می‌کردم که بعد از سال ۵۷ و شعار "همه با هم" خمینی که بهترین تاکتیک برای اعمال رهبری خودش و نیروی عقب مانده اش بود، دیگر کمتر کسی بحث وحدت را خواهد کرد. بخصوص اینکه فکر می‌کنم کسانی مثل من و شما که تجربه سال ۵۷ را پشت سر گذرانده ایم نباید از تفاوتها بهراسیم. باید این واقعیت را بپذیریم که نیروهای اپوزیسیون نماینده جنبشهای متفاوت جامعه هستند و به همین دلیل نظراتشان متفاوت است. مثلاً آنانکه شعار يك جامعه سکولار، مرفه و برابر را سر لوح بیانیه هایشان گذاشته اند منعکس کننده نظر آن نیروی عظیم مردمانی هستند که سالهاست شعار آزادی را سر داده اند. در حالیکه بخشی از اپوزیسیون در غم اسلام ناب است و دیگری به فکر استثمار نیروی کار ارزان و کسب سود است.

در ایران، مردم رفاه و آزادی می‌خواهند، سرمایه دار امنیت اقتصادی می‌خواهد و این بخشهای مختلف جامعه، نمایندگان متفاوتی در اپوزیسیون دارند. همانطور که در جامعه این نیروها با هم جمع نمی‌شوند، در اپوزیسیون هم شعار "همه با هم" دادن، نفعی به

حال توده عظیمی که از فقر و اختناق به جان آمده است ندارد.
با همه اینها، فرض کنید که سر وحدت توافق میکنیم. شما بگویید وحدت حول کدام برنامه؟ برنامه کدام بخش اپوزیسیون؟ آن بخشی از اپوزیسیون که جمهوری اسلامی دیگری می خواهد؟ یا آن بخشی که می خواهد رژیم استبداد سیاسی سابق را برگرداند؟ یا اپوزیسیونی که می خواهد برابری، رفاه و آزادی را بیاورد؟ من شدیداً علاقمندم که در مورد امکان وحدت حول يك برنامه معین سیاسی بحث کنیم. حول کدام برنامه؟

در خاتمه، از بذل توجه تان به نوشته ام تشکر میکنم. دستتان را می فشارم و آروزی موفقیت برایتان دارم.

نسرين پرواز ۲۱ فوریه ۲۰۰۲ nasrinparvaz@yahoo.co.uk